

نظام مالکیت ارضی در ایل بختیاری

اصغر کریمی
مرکز مردم‌شناسی ایران

و مرتع و تحول مرتع به زمین زراعی، ملی شدن مراتع و جواز علف‌چر، ازدواج وارث و خویشاوندی و تأثیر این‌ها در نظام مالکیت ارضی، معرفی صورت قبایلات مربوط به زمینهای تیره اولاد، اشاره به متن چند بنچاق و بالاخره به شهادت یک سند از چگونگی حل و فصل اختلافات ارضی صحبت خواهد شد.

حوزه جغرافیائی و جمعیت ایل :

خاک بختیاری بین خوزستان از غرب و اصفهان و چهارمحال از شرق و لرستان از شمال و فارس و ایلات کهگیلویه و بویراحمد و قشقای از جنوب محصور شده است.^۱ با محاسبه‌ای تقریبی که از روی نقشه‌های آمریکائی نقشه برداری شده در سال ۱۹۵۳

۱ - «بررسی توزیع چند پدیده فرهنگی در منطقه بختیاری (زاگرس مرکزی)» اثر مشترک : ژان پیردیگار - اصغر کریمی، ترجمه و تلخیص هوشنگ پورکریم، مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، شماره اول، وزارت فرهنگ و هنر تابستان ۱۳۵۳.

۲ - بنچاق سندی است خطی که برای واگذاری مالکیت زمین‌ها در ایل بختیاری بین افراد ردوبدل میشود و در چهارچوب سازمان اجتماعی و سیاسی اقتصادی ایل کاملاً معتبر است. این بنچاق‌ها مشخصات زیر را دربردارند: مشخصات فروشنده (نام و نام پدر) مشخصات خریدار (نام و نام پدر)، آزادی اراده فروشنده (که فروشنده در کمال صحت عقل و سلامت نفس و با رضا و رغبت بدون اینکه ظلمی و ستمی بر او رفته باشد...)، مشخصات زمین (حد و حدود زمین، اعیانسی، باغ، زمین‌های آبی، زمین‌های دیدی، فاریاب، کوه، مرتع و سایر مشخصات) مقدار زمین بر حسب واحدهای معمول (دانگ، جر، شعیر، حبه در سردسیر بختیاری و من، خیش، درگرمسیر بختیاری)، قیمت زمین و اختیاراتی که به خریدار داده میشود (خواهد بفرود، خواهد بداد، مختار است)، تاریخ واگذاری زمین، مهر فروشنده، مشخصات و مهر میرزا یا ملا (نویسنده بنچاق)، مشخصات و مهر چند نفر شاهد.

۳ - برای اطلاعات بیشتر: «نگاهی به زندگی و آداب و سنن در ایلات هفت‌لنگ و چهارلنگ»، اصغر کریمی، مجله هنر و مردم شماره ۱۱۱.

در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ ضمن تحقیقاتی که به‌مراهی آقای دکتر ژان پیردیگار Dr, Jean-Pierre Digard عضو C.N.R.S. (مرکز ملی تحقیقات علمی) فرانسه، در چهارچوب برنامه تحقیقات مشترک ایران و فرانسه (مرکز مردم‌شناسی ایران و مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه) در زمینه «تهیه نقشه‌های مردم‌شناسی ایران» در ایل بختیاری داشتیم^۱، تا آنجائیکه زمان اجازه میداد، در کنار این برنامه، به مطالعه همه‌جانبه ایل نیز دست یازیدیم. در این مطالعات یکی از مسائلی که توجه ما را بخود جلب کرد موضوع نظام مالکیت زمین و مرتع در ایل بختیاری بود. در بدو امر ظواهر نشان می‌داد که مالکیت مرتع در ایل بختیاری مشترک و مرتع در اختیار کلیه افراد ایل است و مالکیت فردی وجود ندارد. بدین مفهوم که هر خانوار دامدار متحرکی که وابسته به ایل است و در شرایط زندگی کوچ‌نشینی و اقتصاد مبتنی بر دامداری متحرک بسر می‌برد، می‌تواند از تمام قلمرو ایل برای تعلیف دامهایش بهره‌مند گردد. ولی در ضمن تحقیقات متوجه شدیم که کلاتران و کدخدایان ایل در حل مشاجرات و نزاعهای ناشی از استفاده از مراتع از حوزه مرتع طوایف مختلف ایل نام می‌برند. قضیه را پی‌گیری کردیم. قصد ما آن بود که آیا مالکیت مرتع - یعنی زمینی که بدون دخالت نیروی کار انسانی برای وی مفید واقع می‌شود - مشترک است یا شخصی، و مناسبات و علقه‌های خویشاوندی چه نقشی در این مالکیت دارند.

در آبانماه ۱۳۵۲ به بنچاق‌ها^۲ و قبایلات قدیمی - که در حال حاضر نیز برای مالکیت زمینها معتبر هستند - دسترسی پیدا کردیم و این بنچاق‌ها راه‌گشای وصحه‌گذار اطلاعاتی بود که ضمن مشاهده و مباحثه در زمینه مالکیت ارضی بدست آورده بودیم. در گفتار زیر بطور مختصر از حوزه جغرافیائی و جمعیت ایل، از سازمان ایل بختیاری و سلسله مراتب سرپرستی در ایل، علل تحدید حدود زمینها و مراتع، مقررات مربوط به زمین و مرتع در چهارچوب سازمان اجتماعی ایل، رابط زمین‌زراعی

به مقیاس ۱/۵۰۰۰۰۰ کرده ایم، ۳۷۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود.

از جمعیت ایل در حال حاضر اطلاع دقیقی در دست نداریم. کتاب ایرانشهر در بخش ایلات و عشایر تعداد نفوس ایل بختیاری را ۳۶۳۱۸ خانوار ذکر کرده و قسمت هفت‌لنگ آنرا ۲۳۴۹۳ خانوار در مدت بررسی به کمک کلانتران وریش سفیدان و کدخدایان، تعداد نفوس بخش هفت‌لنگ را که محاسبه کردیم تعداد نفوس قسمت هفت‌لنگ با تقریب اضافی بالغ بر ۱۹۰۰۰ خانوار شد.^۴ این جمعیت در این وسعت تحت سازمان معین و منظم عشایری زندگی می‌کنند و اساس زندگی اقتصادی آنان بر مبنای دامداری متحرک استوار است.

سازمان ایل بختیاری :

چون در این گفتار مرتباً از سازمان ایل و اسم طوایف و تیره‌ها و تش‌ها و اولادها و از سلسله مراتب سرپرستی در ایل نام برده می‌شود، لذا برای روشن شدن مطالب، اشاره مختصری به سازمان ایل می‌شود.

ایل بزرگ بختیاری از دو بخش بزرگ بنام هفت لنگ و چهار لنگ تشکیل شده است. بخش هفت‌لنگ به سه بلوک یا باب بنامهای «بابادی‌باب»، «بهداروندباب» و «دورکی‌باب» تقسیم می‌شود و هر کدام از این باب‌ها به چند طایفه. بخش چهار لنگ نیز به چهار طایفه بنام‌های «کیان‌ارثی»، «محمود صالح»، «زلکی» و «موگوئی» تقسیم می‌گردد. در سازمان اداری و سیاسی ایل هر طایفه‌ای به چند تیره و هر تیره به چند تش و هر تش به چند اولاد تقسیم می‌گردد. سرپرستی بزرگ ایل قبلاً با ایلخان یا خان بوده است که در حال حاضر چنین سمتی در ایل وجود ندارد. سرپرستی طوایف با توشمال بوده است که کم‌کم این واژه جای خود را به لغت کلانتر داده است و در حال حاضر به نوازندگان ایلی توشمال می‌گویند. سرپرستی تیره با کدخدا و سرپرستی تش با ریش سفید است.

منابع تاریخی درباره مالکیت ارضی :

از تاریخ چگونگی مالکیت زمین در ایلات بدلیل دسترسی نداشتن به منابع اطلاعی در دست نیست. نویسنده کتاب «کشاورزی و مناسبات ارضی در عهد مغول»^۵ می‌گوید که مالکیت این زمینها بصورت «اینجو»^۶ یا «اقطاع»^۷ بوده است و آنرا چنین شرح می‌دهد:

«... علی‌الرمس ارضی مذکور را بنام مغولی «یورت» می‌نامیدند و یکی از معانی آن عبارت بود از قلمرو کوچ قبیله یا ایل. اصطلاح «یورت» در منابع موجود بسیار استعمال شده است. کلمه فارسی «غلفخوار» هم بمعنی مرتع و همچنین «مالکیت مرتع» بکار رفته است.

این اراضی رسماً و ظاهراً جزو دیگر اقسام زمین‌داری - یعنی «اینجو» و «اقطاع» قلمداد می‌شده‌اند (ولی نه همیشه) اما چون واجد خصوصیات متفاوت اساسی هستند باید آنها را قسم علیحده‌ای از مالکیت فئودالی شمرد. ویژگی این اراضی عبارت از این بوده که جنبه فئودالی مالکیت آنها در زیر پرده «رسوم» پدرشاهی و جماعتی مستور گردیده، زیرا که همه صحرائشینان تقسیمات ایلی و قبیله‌ای و سازمان مربوط بدان را حفظ کرده بوده‌اند. عملاً مالکیت اراضی مراتع و اختیار آن به امیر هزاره و یا صده و یا دهه - یا بدیگر سخن به رئیس قبیله صحرائشین و یا عشیره و یا خاندان و غیره تعلق داشته. ولی از لحاظ حقوقی «یورت» - یا بعبارت دیگر «غلفخوار» ملک مشترک قبیله (یا شاخه آن) و رئیس آن امیر شمرده می‌شد. استفاده از مرتع جنبه جماعتی داشته: کوچ و چرای دامها توسط جماعتها صورت می‌گرفته... گرچه امیر قبیله با تفاق تابعان بلافصل خویش (واسامها) - یعنی بزرگان ایل اختیاردار مرتع بوده و رهبری کوچ را به عهده داشته ولی جرأت نمی‌کرده است صحرائشینان تابع خود را از حق استفاده از مرتع محروم کند و یا چراگاهها را بفروشد و یا بنحوی از انحاء بغیر منتقل نماید. اراضی مزبور بانضمام لقب رئیس قبیله و امیر هزاره و صده و دهه بارت باخلاف منتقل می‌شده و این شکل مالکیت ارضی فئودالی در قلمرو دولت ایلخانان با سازمان لشکری چریک قبیله‌ای صحرائشینان رابطه بسیار نزدیک داشته. استفاده از «یورت» یا بعبارت دیگر «غلفخوار» نیز مانند حق تملک «اقطاع» مشروط بدان بوده که امیر و صحرائشینان تابع وی بخدمت لشکری ایلخان قیام کنند. بدیگر سخن اینگونه اراضی قسمتی از مالکیت مشروط فئودالی و نوعی از اقطاع لشکری بوده است...»

در کتاب «از خراسان تا بختیاری» آمده است^۹ «... در محل‌های گرمسیر و سردسیر هر قبیله مرتع معینی دارد و در قسمت مربوط بخود چادر می‌زنند و حدود هر قسمت بوسیله سنگهای

۴ - تاریخ شفاهی ایل که از دهان ریش سفیدان ایل شنیده می‌شود، حکایت از آن دارد که در ۳۰ سال پیش، برای گردآوری مالیات دامی، خوانین و کلانتران ایل را سرشماری کردند و جمعیت کل ایل بختیاری در آن تاریخ ۳۰۰۰۰ خانوار بوده است.

۵ - کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول - ای، پ، پطروشفسکی - ترجمه کریم کشاورز - مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - ۱۳۴۴.

۶ - همان کتاب ص ۱۳.

۷ - همان کتاب ص ۴۵.

۸ - همان کتاب ص ۷۶ تا ۷۸.

۹ - از خراسان تا بختیاری - هانری رنه دالمانی - ترجمه فره‌وشی.

ص ۱۰۲۶.

سفیدی از زمانهای بسیار قدیم معین شده و بنا بر سنت قدیمی نقل مکان دادن یا برداشتن این سنگها ممنوع است» و درجائی دیگر می گوید «... ناحیه بختیاری در میان قبایل تقسیم شده و هر قبیله قسمت متعلق بخود را بین خانواده تقسیم کرده است. معمولاً مالک زمین کسی است که با خرج خود آب برای آن تهیه کرده»^{۱۰}.

تحدید حدود زمینها

چنانکه بختیاریها خود میگفتند:

بر اساس خصوصیات ایلی، بختیاریها هر نوع کسب و کاری را عیب میدانستند. نه تنها خودشان به هیچ کاری دست نمیزدند و هیچکدام از پیشهها و صنایع و کسبها را پیشه نمیکردند بلکه با هیچکدام از گروههایی که به نوعی با پیشه و صنعت سروکار داشتند، وصلت نمی کردند^{۱۱}. جنگاوری و سپاهیگری و سوارکاری و در کنار آن دامداری کارشان بوده و عایدات دام^{۱۲} (فقط پشم و گوشت) گرداننده چرخ زندگی اشان. لازمه این نوع زندگی، متحرک بودن و دنبال مرتع سرسبز گشتن، و مرتع اصلی ترین هدف. ولی نظامها و قوانین خاصی در ایل وجود داشته و دارد که به حفظ تعادل نیرو و قدرت در بین طوایف و تیرهها کمک می کند. همین قوانین و نظامها مانع خودمختاری افرادی میشد که بی واهمه به تعداد دام خود بیافزایند تا جاییکه با اشغال مراتع موجب انهدام دیگران گردند. مراتع متعلق به بختیاریها بود و برای اینکه نظام رعایت گردد و منازعات کمتر باشد حوزه مراتع بر اساس سازمان ایل تحدید حدود گردید، کما اینکه هنوز هم در مناسبات اجتماعی ایل وقتی صحبت از مالکیت زمین می شود، هر گز نشنیده ایم که زمین را با اسم کسی بنامند. بلکه زمین را با نام طایفه یا تیره یا تش مشخص می کنند. مثلاً زمینهای طایفه بابادی یا زمینهای تش صادقی و غیره. ولی مالکیت همین زمینها طی جنگهای فراوانی که در بین بختیاریها روی داده است، بین بزرگان و سرکردگان ایل تغییر یافته است. در بعضی دورهها قدرت خان و کلام او قانون مطلق ایل بوده است. و وقتی زمینی را از کسی یا طایفه ای بزور می گرفت و یا میخرد بلافاصله آن را در حضور جمعی شاهد و به خط ملاهای ایل بصورت قبالة و سند درمی آورد. مهر شاهدها بخصوص مهر ملاها تضمینی بودند برای قطعیت و معتبر بودن چنین بنچاقهایی. بدین ترتیب قطعه زمینی از مالکیت کسی درمی آمد و در حوزه مالکیت کس دیگری قرار میگرفت و زمین داران بزرگ در ایل بوجود می آمدند و همین زمینها بازم تحت عوامل گوناگونی چون جنگها، ارت، یا بخشیدن زمین بوسیله خان بدیگران - که نمونههایی از آنها را در آخر گفتار آورده ایم - بین افراد تقسیم می شد. چنین است که بقول جعفر قلی رستمی کلاتر کنونی طایفه بابادی «از شرقی ترین

قطعه سردسیر بختیاری تا غربی ترین نقطه گرمسیر خاك بختیاری يك وجب زمین وجود ندارد که بنچاق نداشته باشد و مالکیت آن معلوم نباشد». از بین طوایف و تیرههای حاضر در ایل بختیاری، تنها تیره «لک» زمین و مرتع نداشته است. این تیره در اصل از لرهای لرستان هستند و از لرستان آمده و در اختیار خوانین بوده اند. بعدها خوانین زمینهایی به اینها بخشیده اند که بیشتر زمین زراعی هستند.

مقررات مربوط به زمین و مرتع:

با توجه به مطالبی که در فوق به آنها اشاره کردیم، در زیر از مقررات مربوط به زمینها بین افراد ایل بختیاری سخن می گوئیم. همانطور که زمینهای يك تش متعلق به همه تش است، همه افراد همان تش در محدوده زمینهای تش برای خود زمین معینی دارند. ولی هر کدام از این افراد بطور مستقل و خودمختار حق فروش یا واگذاری زمین خود را به افراد خارج از گروه ندارند. اگر فردی تصمیم به فروش زمین خود بگیرد باید اول آنرا به همسایه و هم تش خود بفروشد. اگر آنها قدرت خرید نداشتند، باید با اجازه نامه کتبی از همه افراد گروه، این زمین را به گروه دیگر بفروشد. یعنی زمین باید با موافقت همه افراد يك گروه از تملک آن گروه بیرون آید و در تملک گروهی دیگر قرار گیرد. بختیاریها می گفتند تا کنون چنین موردی پیش نیامده است مگر اینکه دست قدرتمندی در کار بوده است. در خود گروه هم هر عضوی از همان گروه اگر قصد چراندن دام در مرتع شخص دیگری داشته باشد، باید از صاحب زمین اجازه بگیرد و مدت معلوم کند. یا در شرائط کوچ حداکثر توقف عادی هر طایفه روی زمین طایفه دیگر فقط يك شبانه روز است، اگر موضوع دزدی و گرفتاریهایی از این قبیل پیش آید، طایفه کوچنده حق دارد برای حل آن دوشبانه روز توقف کند. و اگر طایفه کوچنده مریض داشته باشد که قادر به حرکت دادن آن نباشند، حق دارد يك هفته روی زمین بماند تا تکلیف این مریض روشن شود. مسلم است که در تمام طول این مدت های توقف، کلیه دام طایفه کوچنده در روی زمین طایفه دیگر خواهد چرید. این قانون در يك طایفه بین تیره های آن وجود دارد و در يك تیره بین تشها و الی آخر. البته قراردادهایی هم برای زمین کشاورزی وجود دارد که بین طوایف فرق می کند. در طایفه بابادی کسی که زمین زیاد دارد به کسی که زمین زبر کشت ندارد، زمین قرض میدهد و در ازاء آن چیزی نمی گیرد.

۱۰ - همان کتاب ص ۱۰۴۴.

۱۱ - نگاه کنید به مقاله «نگاهی به آداب و سنن...» مجله هنر و مردم.

۱۲ - «دامداری در ایل بختیاری» - اصغر کریمی - مجله هنر و مردم.

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header, including the word "بسم الله" (In the name of God).

Main body of handwritten text in the upper section, consisting of several lines of dense script.

Main body of handwritten text in the middle section, continuing the narrative or list.

Main body of handwritten text in the lower section, ending with a signature or date.

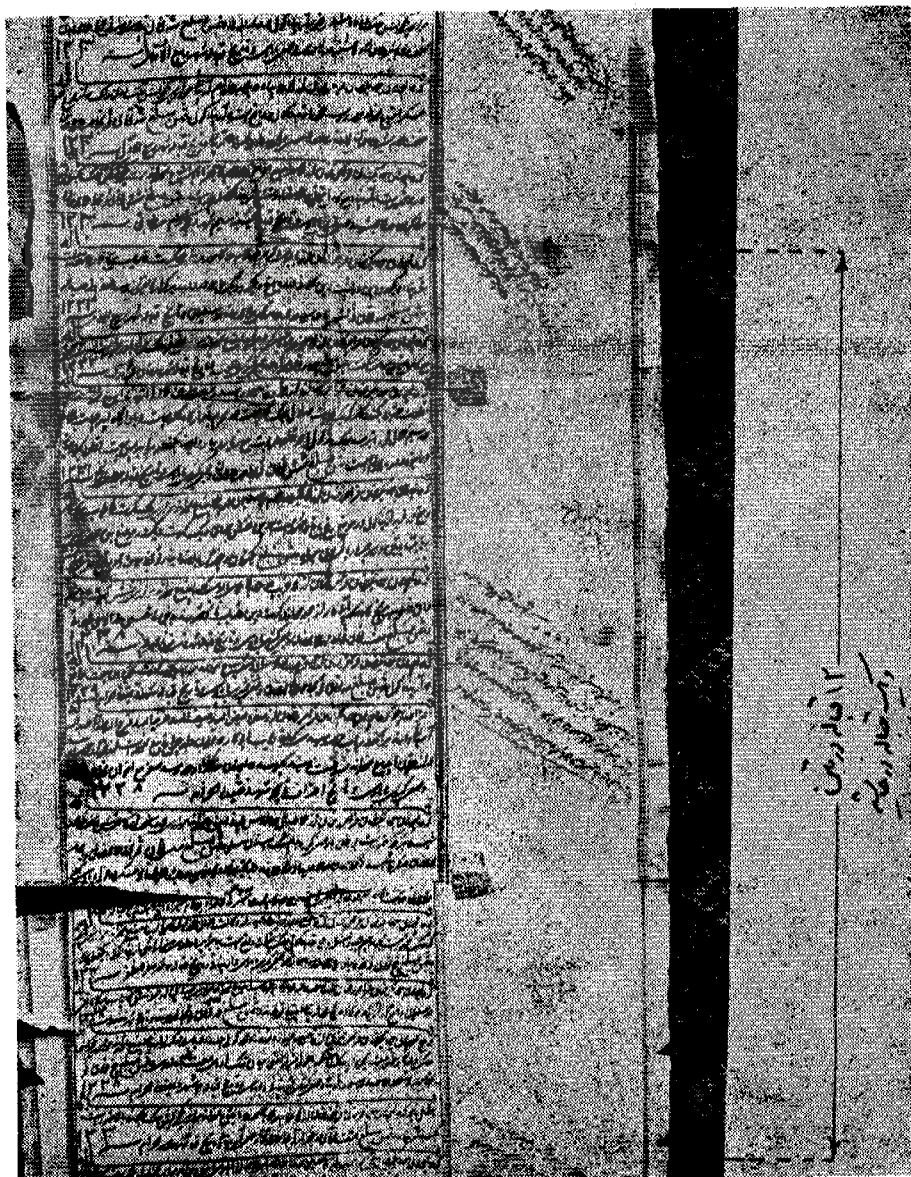
Large, mostly blank area on the right side of the page, possibly representing a fold-out or a separate section that is mostly illegible or blank.

Vertical handwritten text on the right margin, possibly a page number or a reference mark.

کار دیگری نمیکرد، ولی بتدریج یا تحت فشار قدرت خوانین یا بر اثر احتیاج به مواد غذایی یا عوامل دیگر به کشاورزی روی آورد. لرد کرزن^{۱۴} در این باره چنین می‌نویسد: «... در سال ۱۸۴۰ میلادی برابر ۱۲۵۶ هجری قمری محمدتقی‌خان ایلخانی در نتیجه لیاقت و استعداد فطری ریاست هردو دسته هفت‌لنگ و چهارلنگ را به عهده گرفت و بزودی یک رشته تغییرات اساسی در زندگی لرها داد. محمدتقی‌خان بخوبی میدانست که کلیه ایلات از راه ناچاری و گرسنگی براهزنی مشغولند و برای جلوگیری از این کار زشت، آنها را بزراعت و گله‌داری وادار نمود و محصولاتشان را به بهای خوبی خریده به بازارهای داخلی و خارجی فرستاد تا هم خودش از دادوستد آنها بهره‌ای

درطایفه بابااحمدی برای هر من^{۱۳} زمین قرض داده شده مقداری گندم یا پول میگیرند. اگر فردی از بختیارها قصد ساختن خانه داشته باشد ولی زمین نداشته باشد، یکی از زمین‌داران مراجعه می‌کند و قول می‌دهد که همیشه تحت نفوذ او و یار و یاورش در هر کاری خواهد بود و زمین میگیرد و ساختمان می‌کند. در منطقه چلگرد کوه‌رنگ هر کس هر مقدار زمین آبی که دارد می‌تواند درست به همان اندازه از زمینهای دیم استفاده کند مشروط بر آنکه این زمینها مرتع نباشند.

رابطه زمین زراعی و مرتع و تحول مرتع به زمین زراعی :
همانطور که قبلاً هم اشاره شد، ایل بختیاری جز دامداری



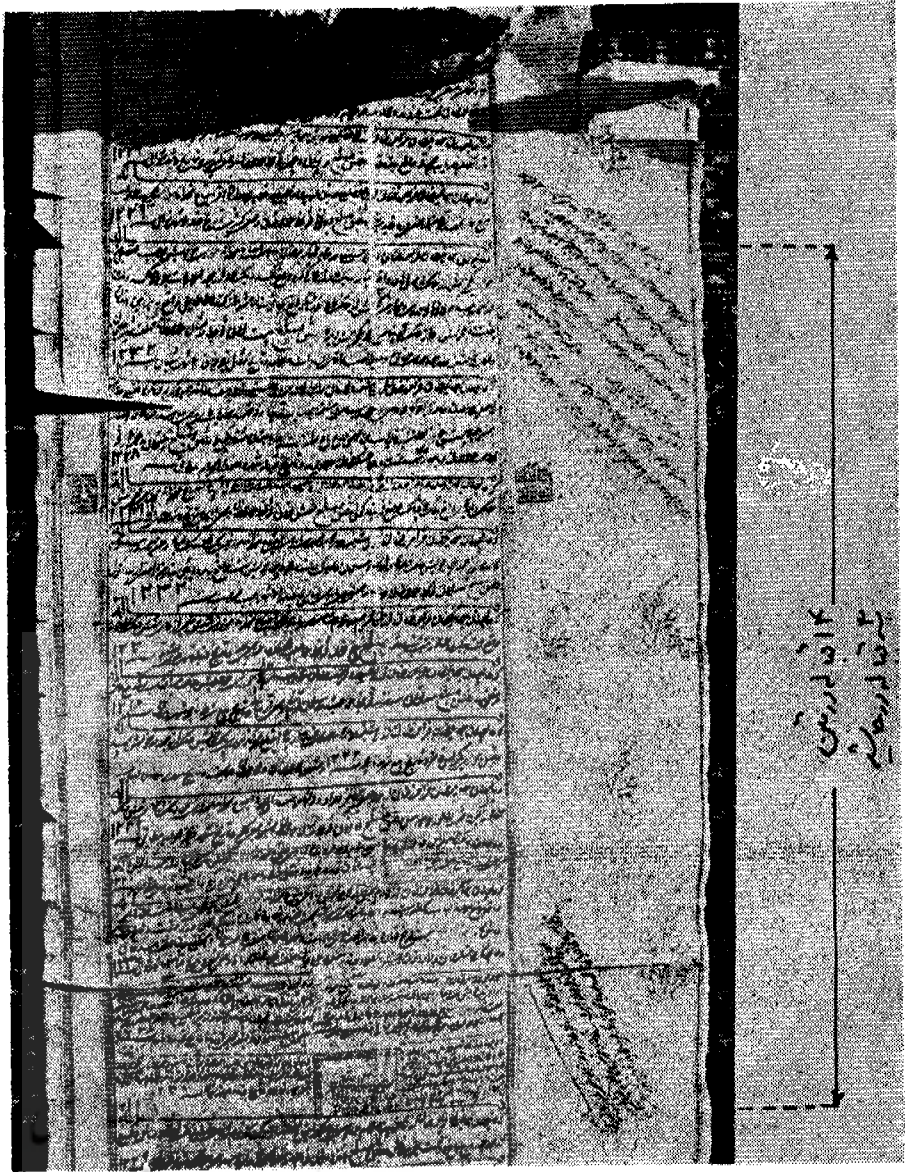
تعداد دام کم بود و قدرت تعلیف مراتع از نظر کمی و کیفی فراوان. در نتیجه فرآورده‌های دامی نیز چون گوشت و پشم هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی در بهترین حد خود قرار داشتند و در بازارهای فروش بالاترین قیمت به آنها تعلق می‌گرفت. بهای فروش دام سایر مایحتاج دامدار را اعم از آرد و گندم (اصلی‌ترین غذا) و پوشاک و قند و چای بر طرف می‌کرد. با

- ۱۳ - واحدهای اندازه‌گیری و حساب سیاق در ایل بختیاری -
 اصغر کریمی - مجله مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، وزارت فرهنگ و هنر شماره اول، تابستان ۱۳۵۳.
 ۱۴ - ایران و مسئله ایران - لرد کرزن - ترجمه علی جواهر کلام -
 ابن سینا ۱۳۴۷ تهران ص ۲۱۲.

ببرد و هم افراد ایل از گرسنگی و دزدی رهائی یابند...» بعد اضافه می‌کند که حکومت وقت از قدرت محمد تقی خان بهراس می‌افتد و او را از بین می‌برد و کشاورزی نوپا هم در بختیاری از رونق می‌افتد. تا اینکه بعد از ۱۳۱۲ که طرح اسکان عشایر جنبه عملی بخود می‌گیرد و روستاهایی برای ایشان ساخته می‌شود، کشاورزی مجدداً رونق می‌گیرد و روز بروز بر وسعت زمینهای زیر کشت افزوده می‌گردد کما اینکه با هر کدام از افراد ایل که راجع به کشاورزی صحبت می‌کردیم، نسبت زمین زیر کشت آنها نسبت به سی یا سی و پنج سال یک بر ده افزایش یافته است. علل افزایش کشت را خودشان به شرح زیر میدانستند:

۱ - افزایش دام و نقصان قدرت تعلیف مراتع: در گذشته





اولیه خوراک مثل گندم برای آیین جمعیت، بختیارها را وادار به توسعه کشاورزی کرده است و همین امر سبب شده است که مراتع بصورت زمین زیر کشت درآیند.

۳ - امنیت: در گذشته زمینهای زیر کشت، درست بهنگام برداشت محصول مورد تاخت و تاز و غارت مهاجمین لرستان و سایر گروههای غیرایلی قرار میگرفت. زارع بختیاری به این نتیجه رسیده بود که هرچه میزان زمین زیر کشتش کمتر باشد، رسیدگی به آن و گردآوری اش سریعتر خواهد بود ولی الان چنین مسئلهای وجود ندارد و زارع براحتی به کشت زمین تحت مالکیت خود میرسد.

۴ - آسانی وسائل رفت و آمد از گرمسیر به سردسیر و بالعکس: در گذشته بختیاری زارع باید زمین خود را درو

گسترش دامداری و افزوده شدن تعداد دام، مراتع قدرت تعلیف خود را از دست داده اند و فرآورده های دامی در بازارها بدلیل نامرغوب بودنشان به کمترین بها به فروش میرسند. و این بهای فرآورده دامی قدرت خرید مواد اولیه غذایی برای افراد ایل را تأمین نمی کند. فرد ایل بختیاری صلاح در این می بیند که مراتع خود را شخم بزند و بعنوان زمین کشت تا بصورت آبی یا بصورت دیمی از آن استفاده کند.

۲ - افزایش جمعیت: تاریخ گذشته بختیاری حکایت از جنگهای فراوان قبیله ای می کند و در این جنگها همیشه تلفات فراوان بوده است. در حدود سی سال است که دیگر جنگی وجود نداشته و همین امر نسبت متوسط جمعیت را در ایل بالا برده است، مهاجرت نیز وجود ندارد. احتیاج به مواد غذایی و تأمین مواد



قطعی تر است و حدود آن کاملاً مشخص .

ملی شدن مراتع و جواز علف چر :

همانطور که قبلاً ذکر کردیم متن بنچاقهای مالکیت دهات و زمینهای بختیاری همیشه موارد زیر را دربرمیگیرد : اعیانی، باغات ، مزارع آبی ، مزارع دیمی ، کوه و کوه چر . درموقع ملی شدن مراتع، قبالهائی که صاحبانشان دام نداشته‌اند، از نقطه مالکیت بر روی کوه و کوه چر مردود شناخته شده‌اند و جواز چرای این مراتع به کسانی تعلق گرفته که دامدار هستند و از

و محصول آن را جمع مینمود و همراه ایل به گرمسیر میرفت . معمولاً تقویم زراعی با تقویم کوچ همزمان نیست ، لذا زارع سعی میکرد که زمین کمتری را زیر کشت بکشد تا بتواند آنرا بموقع درو کند و همراه ایل به گرمسیر یا به عکس به سردسیر برسد^{۱۵} . ولی در حال حاضر ایل به برنامه کوچ خود کما فی السابق ادامه میدهد . خانواده زارع با ایل کوچ می‌کند و خود زارع با خاطری آسوده روی زمین زیر کشت میماند و وقتی همه محصول را جمع کرد با وسائلی نقلیه خود را به گرمسیر یا سردسیر میرساند و شاید هم زودتر از ایل میرسد .

باتوجه به این مسائل و رابطه کامل آنها با یکدیگر سبب شده که روز بروز از میزان مراتع کسر شده و به مقدار زمین زیر کشت افزوده گردد . مالکیت فرد بر روی زمین کشاورزی

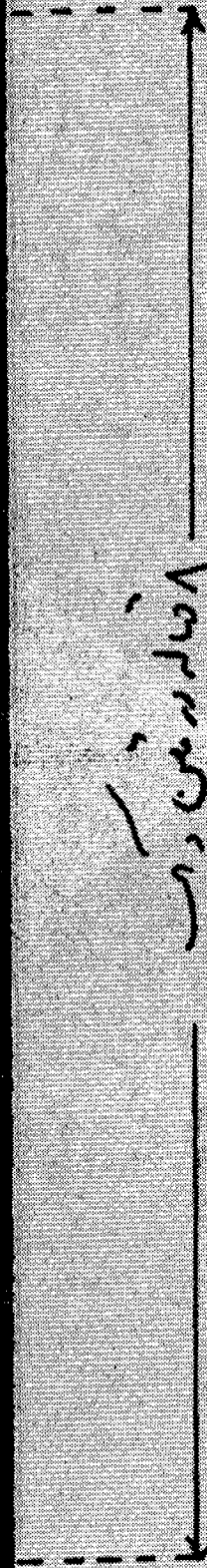
۱۵ - هر دامدار زراعی در خاک بختیاری دو قطعه زمین زراعی دارد ، یک قطعه در گرمسیر و قطعه‌ای دیگر در سردسیر و اینها را به تناوب میکارد و در رفت و برگشت از آنها بهره‌برداری می‌کند .

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the left side of the page. The text is organized into several horizontal lines, with some lines appearing to be part of a list or a structured document. There are some faint markings and possibly small diagrams or illustrations interspersed within the text.

تتمت المسألة
بالحمد لله
العزيز الجبار

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, covering the bottom left side of the page. The text continues from the top left section, maintaining the same style and structure. It appears to be a continuation of a long document or a series of related entries.

تتمت المسألة
بالحمد لله
العزيز الجبار



سالهای قبل طبق قراردادهای ایلی دام خود را در این مراتع میچرانده‌اند. من باب مثال تمام مراتع دامنه زردکوه در قسمت سردسیر مثل منطقه شیخ علیخان از قدیم طبق تقسیمات عشایری در حوزه مالکیت تیره آرپناهی بوده‌است که بعد از ملی شدن مراتع و موضوع دادن جواز علف‌چر به دامداران، چون تیره آرپناهی باندازه این زمینها دام نداشته‌است، حق علف‌چر آن بنام دیگر گروههای دامدار غیرایلی بختیاری مثل گله‌داران شهرکردی، گله‌داران و شترداران ریز و غلام‌خواست که از زمانهای قدیم طبق قراردادی که با خوانین داشته‌اند و دام خود را در این مناطق می‌چرانده‌اند، صادر شده‌است. به بنچاقهایی هم که صاحبانشان دامدار هستند، درست باندازه جواز علف‌چر میدهند که به معیار وزارت منابع طبیعی^{۱۶} زمین برای دام داشته باشند. کسان زیادی از دامداران بختیاری هستند که دامشان بیشتر از مرتع آنها می‌باشد و مجبورند که این تعداد دام اضافی را از حوزه دارائی خود خارج کنند.

ازدواج وارث و تأثیر آن در مالکیت ارضی:

مسئله ارث در سازمان اجتماعی ایلی بختیاری موضوع پیچیده‌ایست و در این گفتار از مواردی صحبت خواهد شد که به امر مالکیت زمین مربوط میشود. بختیارها معمولاً در بین خود ازدواج می‌کنند و کمتر پیش می‌آید که مرد بختیاری زنی غیر بختیاری بگیرد و یا زنی با مرد دیگری غیر از بختیاری وصلت کند. کودکان چنین زنی هرگز بختیاری به حساب نمی‌آیند. در خود ایلی نیز ازدواج بیشتر در داخل گروه خانوادگی صورت می‌گیرد. یعنی دخترعموها، پسرعموها، دختردائی‌ها و پسر دائی‌ها و از این قبیل. بختیارها معمولاً دختران و پسران خردسال را برای تحکیم مناسبات قومی و طایفه‌ای برای هم «نافر» می‌کنند و اینها از همان اوان کودکی نامزد یکدیگر میشوند و بزرگ هم که شدند باهم ازدواج می‌کنند. هرگونه تخطی از این امر از طرف هر خانواده منجر به اختلافات و منازعات طایفه‌ای خواهد شد. معمولاً در ازدواجها زیبایی دختر کمتر مورد نظر است و بیشتر اصل و نسب و قدرت ایلی و خانوادگی دختر است که بحساب می‌آید و دو طایفه می‌توانند روی آن حساب کنند. تعدد زوجات بدلائل خاص در ایلی بختیاری معمول است. هر مرد بختیاری بدلیل نظام اقتصادی مبتنی بر دامداری، هرچه تعداد دامش بیشتر باشد، احتیاجش به نیروی کار زن بیشتر است، برای شیردوشی، برای نان‌پزی، برای آب آوردن و همه مواردی که در تقسیم کار جنسی بمعده زن‌هاست. لذا چون طبق قوانین ایلی و سنتی و مذهبی، هیچ مرد بختیاری نباید زن بیگانه و نامحرم در خانه‌اش باشد - بعنوان خدمه، کلفت و غیره - با آنها ازدواج می‌کنند. از روی شجره‌های خانوادگی که در ایلی تهیه کرده‌ایم، مشاهده شده‌است که یک مرد در آن

واحد ۲ تا ۷ زن داشته‌است. مردان بزرگ ایلی چون خوانین و کلانتران و کدخدایان و ریش‌سفیدان، برای اینکه فرزند با اصل و نسب داشته باشند، در عین داشتن زنهای متعدد برای کارهای مربوط به خانه و حشم، با دختر یکی از همین بزرگان که میزان شیرها و پشت قباله‌اش (مهریه) خیلی گران است، ازدواج می‌کنند. این زنها همیشه «بی‌بی» نامیده می‌شوند. فرزندی که از این زن بوجود می‌آید، استحقاق خان شدن و کلانتر شدن را خواهد داشت ولی فرزندی که از زن عامی بوجود می‌آید بر طبق نظام ایلی چنین حقی را ندارد. با چنین نظام خویشی و فامیلی و قوانین ازدواج، وقتی سرپرست خانواری میمیرد، مایملک او به شرح زیر بین بازماندگان تقسیم می‌شود: یک هشتم از کل ثروت منهای زمین و ملک و اعیانی بین زنهای او به تساوی تقسیم می‌شود. بقیه ثروت اعم از منقول و غیر منقول بین پسرها به تساوی تقسیم میگردد. اگر پسر نداشته باشد فقط دارای دختر باشد. برادران متوفی ملک او را تصاحب میکنند و دخترها را شوهر میدهند و مطابق عرف از ثروت منقول پدر برایشان جهیزیه در نظر میگیرند. نظر بختیارها اینست، به این دلیل به دختر زمین و ملک ارث نمیرسد، چون باشوهر کردن او زمین از اختیار گروه قومی خارج میگردد و چون ازدواج دختر امری اجباری است و حتماً باید بخانه شوهر برود، جابجائی مالکیت زمینها نظام ایلی را بهم میزند. اگر مردی یک زن «لر» داشته باشد و یک زن «بی‌بی» و از هر کدام مثلاً یک پسر، به پسر بی‌بی که مادرش مقدار پشت قباله بیشتری دارد بهمان نسبت ارث بیشتری میرسد. پیش می‌آید که پدری در زمان حیات خود، مایملک خود را بین پسران تقسیم می‌کند و یک سهم هم برای خود بر میدارد. بعد از مردن او این یک سهم به سهم پسر کوچکتر اضافه می‌شود و این پسر موظف است که طبق سنن ایلی یکسال تمام خرج فاتحه‌خوانی پدر را بدهد. بموجب همین قانون ارث، مالکیت زمین و مراتع در اولاد ذکور خانواده باقی میماند و نسل اندر نسل بین اولاد تقسیم می‌شود. بنچاق‌ها و سندهائی که در ایلی وجود دارند گویای این مالکیت فردی روی زمین هستند.

صورت قبایجات طایفه اولاد و متن چند بنچاق

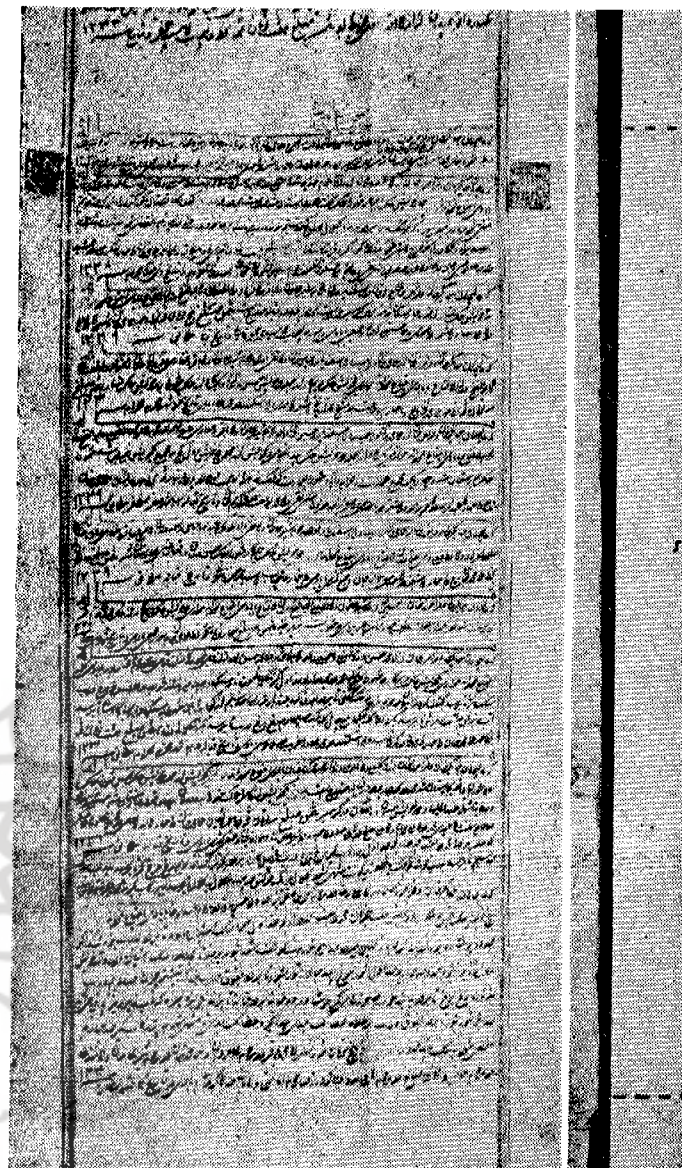
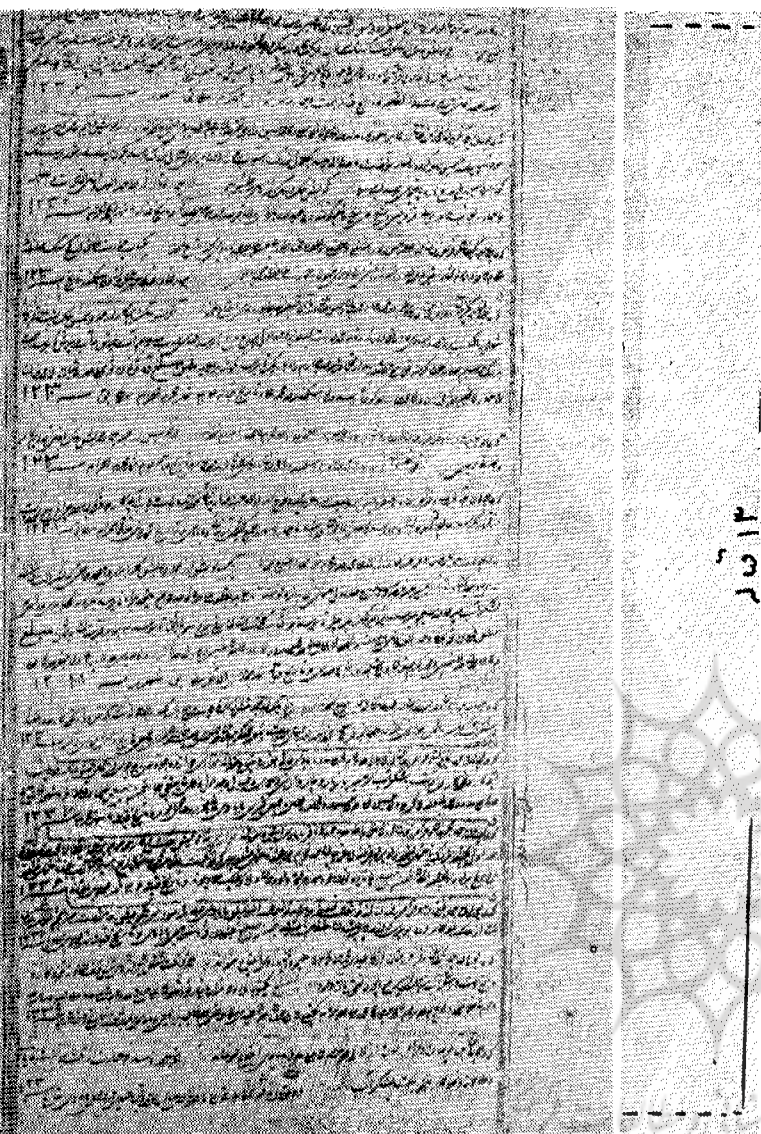
تصاویر یک تا ۱۳، تصویر طوماری است که صورت قبایجات زمینهای طایفه اولاد را دربر دارد. جهانگیر خان و فرامرزخان دو فرزند حبیب‌خان که از یک زن لر بوجود

۱۶ - مرتع درجه یک هر هکتار آن قدرت تعلیف ۲ رأس دام .
مرتع درجه ۲ هر هکتار آن قدرت تعلیف یک رأس دام .
مرتع درجه ۳ هر دو هکتار آن قدرت تعلیف یک رأس دام .



پرتال جامع علوم انسانی

آمده‌اند و در واقع نباید عنوان خانگی را بیدک میکشیدند ، با کمک شرایط و زرنگی خود چنین موقعیتی پیدا کردند ، این دو برادر آنطور که از روی این صورت قباله‌جات پیداست از تاریخ ۱۲۱۳ تا ۱۲۴۱ یعنی مدت ۲۸ سال زمینهای مندرج در این طومار را خریده و به تملک خود در آورده‌اند . این طومار ۱۵۶ قباله را دربر میگیرد که ۶۱ قباله مربوط به «آریناهی گرمیزا» است که از صاحبان آنها خریداری کرده و به زمینهای خود افزوده است. ۱۷ قباله آن مربوط به «چم حاجیان»، ۱۷ قباله مربوط به «پیرمحال گرمسیر»، ۱۴ قباله مربوط به مناطق «الیور تاز»



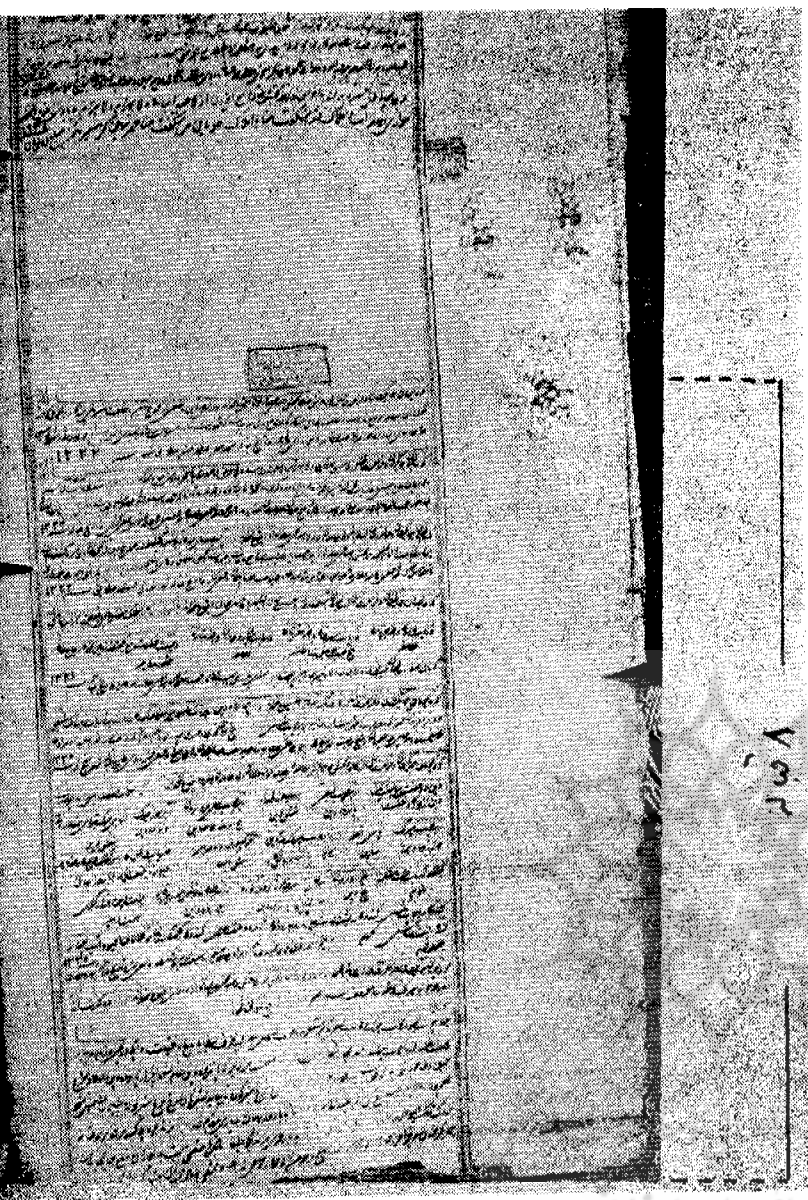
پرتال جامع علوم انسانی

هرطایفه یاتیره یاتشی چنین بنجاقی دارد. من باب مثال حد و حدود زمینهای منطقه سردسیر تنش «برام» ازتیره «سراج الدین» بابا احمدی به قرار زیر است.

- حد اول «دره آسیابها» آب به آب بیاید «سرکوری چنار» بالا بیاید مرندبه «چشمه گنجاب» سر بالا برودبه «گله زراب» رخ برخ بیاید تابه «قنبر گشته» راه «قنبر گشته» سرازیر بشود به «سرکوری آب باریک» مستقیم بزنده به «بلندی لبه» راست برود و سرازیر شود به «چال گرسفید» منتهی بشود به «آب بیرگان» سدهست بغل به آب بزند برود به حد اول «دره

ومحال میان کوه»، ۱۳ قباله مربوط به «دره بوری و پشت قلاب و عرب»، ۱۲ قباله مربوط به «لر و سرخابی و شیمبار»، ۱۱ قباله مربوط به «هنار»، ۱۰ قباله مربوط به «خارستان شه» و یک قباله مربوط به «گشتک» است.

تیره اولاد که به طایفه بابادی مربوط میشود از بازماندگان همین دو برادر هستند و این زمینها بعد از این دو برادر بین افراد نسلهای مربوط به این دو برادر تقسیم شده است. این طومار در حال حاضر سندی است معتبر و بیشتر اختلافات ارضی را با استناد این طومار حل میکنند.



رتال جامع علوم انسانی

«برف تا به خیمه زاران» راست تا بخورد بیاید به راه «تیز» تیغه به تیغه برود به بلندی «پنبه کار بردگی بر آفتاب» تیغه به تیغه بیاید منتهی شود به «دوشوران ساجمه‌ها» حد اول برای تعلیف و چراگاه دام واگذار نمودم در مبلغ ۳۰ تومان خواهد بفروشد خواهد بدارد مالک مختار است - مهور به مهر امامقلی خان بختیاری حاج ایلخانی مربوط به سنه ۱۲۷۴ قمری یعنی ۱۲۰ سال پیش است. در حال حاضر جواز چرای این زمین بین

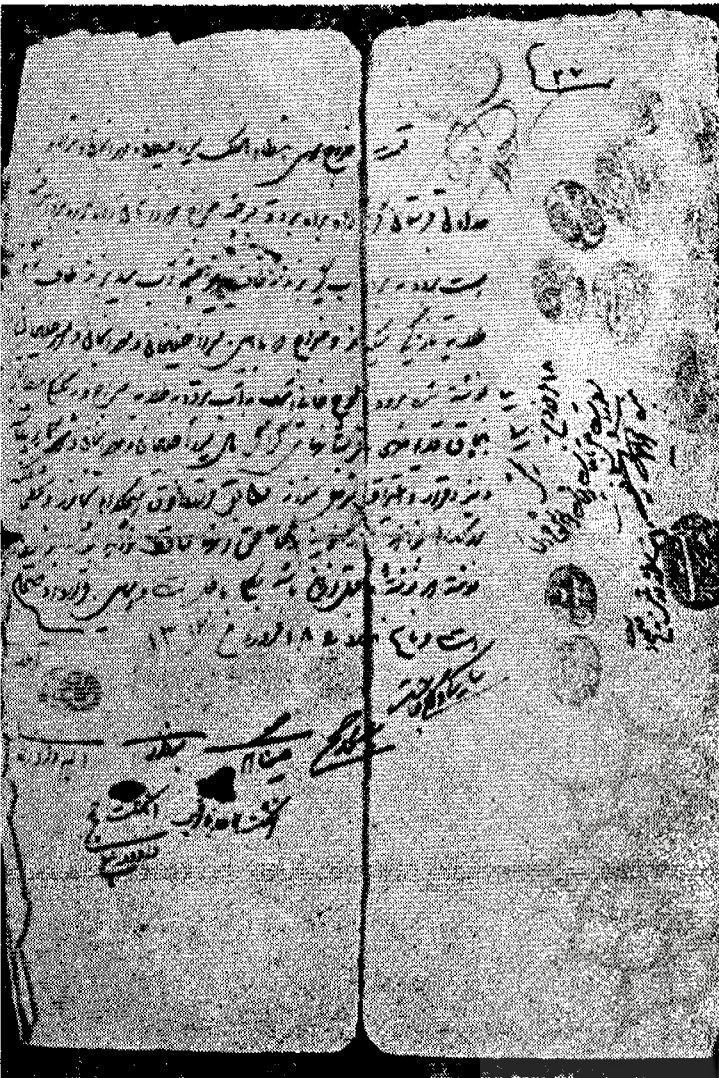
آسیابها» .
چون تش «صادقی» از تیره «حسنوند» طایفه «موری» چراگاه نداشت، امامقلی خان بختیاری قطعه زمین مرتعی به حد و حدود زیر بآنها واگذار کرده است. این زمین به نقل قول از خود بختیارها در اصل متعلق به حاج خسرو حموله از چهارلنگها بوده است.
- حد اول «آبریزش ساجمه‌ها» تیغه به تیغه برود به تیغه

سهم اول

شماره دوم و پنجم و هفتم
مستحق تر است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مبشرين ونذيرين
والله اعلم
بما يعلن
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مبشرين ونذيرين
والله اعلم
بما يعلن

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مبشرين ونذيرين
والله اعلم
بما يعلن



۶۰ خانوار تش صادقی تقسیم شده است .

قسمتی از بنجاقی مربوط به طایفه موری که کلیه مشخصات زمین مورد معامله را دربر دارد . این بنجاق مربوط به ۱۰۱۱ قمری یعنی ۳۸۳ سال پیش و مههور به مهر علیمردان خان ، خان بزرگ چهار لنگ و ۱۲ مهر دیگر مربوط به بزرگان ایل است . چنین زمینی را با این مشخصات هم‌زائی‌ها «محمد رضائی» چهار لنگ از سادات پیر شاه خریده‌اند که آوروندها هم در آن شریک هستند . بختیارها می‌گفتند که خوانین این زمین را به عوض خون جعفرقلی خان از هم‌زائی‌ها بزور گرفته‌اند .

— حد اول راه «میان منار» بالا برود به «گردنه منار» تیغه به تیغه برود به «قله منار» به نام «دلا» تیغه به تیغه بیاید به «پل نگین شیرین بهار» بیاید به «پره‌خان برنجک» بیاید بزند به تیغه «باور محمد» تیغه به تیغه به راه «سرهونی» منتهی بشود به «راه میان» از جمله هفت دانگ از کوه و کوه‌چر ، آباده ، خرابه ، فاریاب ، آسیاب ، باغ به مبلغ ۴۵ تومان و ۲۰ من گندم .

ریش سفیدان و پیرمردان بختیاری نقل می‌کردند که محل‌های «بازفت» ، «دوآب شاه منصوری» ، «چلو» ، «شیرین بهار» (شیمبار) ، «شلا» ، «سرتنگ شیرکش» متعلق به بهداروندها بوده است که خوانین دورکی طی جنگی که با بهداروندها کردند و بهداروندها شکست خوردند از آنها بزور و جبر بنجاق فروش گرفته‌اند .

دو نمونه بنجاق که تصویر آنها داده شده است یکی چگونگی فروش زمین درگرمسیر را نشان می‌دهد و دیگری چگونگی فروش زمین در سردسیر . واحدهای اندازه‌گیری زمین در این دو بنجاق معلوم است و نشان می‌دهد که این واحدها درگرمسیر و سردسیر باهم تفاوت دارند . طریقه بنجاق‌نویسی را از روی این دو نمونه کاملاً می‌شود متوجه شد .

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

رفع اختلافات ارضی

تصویر شماره ۱۶ نمونه‌ای است از اسنادی که برای حل و فصل اختلافات ارضی بین دونفر مالک زمین بکار میرفته است . تاریخ آن به فروردین ماه ۱۳۱۲ یعنی ۴۲ سال پیش مربوط می‌شود و موضوع آن مربوط به گفتگوی ملکی امیرحسینخان انتظام‌الملک با مهربان و مهرعلیخان از میرقایدورک و خوشابی است . در این سند دوباره زمینها را تحدید حدود کرده و حدود آنها را دقیقاً نوشته‌اند . مهر حکومت بختیاری در بالای سند و مهر حاکم بختیاری در پایین سند صحت مطالب داخل سند را تأیید کرده است .